

پنداره «عشره مبشره»؛ نشانه رابطه سیاست و جعل حدیث

علی راد^۱

سید مهدی حسینی^۲

چکیده

«عشره مبشره»، حدیث‌نمای منسوب به رسول خدا ﷺ، از جمله متون مهم و مشهور در حدیث و کلام اهل سنت است و در مشروعیت بخشی و توجیه عملکرد خلفای سه‌گانه و کارگزاران آنان از نقش جدی برخوردار است. از این رو، جزء مبانی مهم در اندیشه سیاسی مدرسه خلفا به شمار می‌آید. عالمان مدرسه خلفا، به سبب نقش و کارکردهای مهم سیاسی و کلامی این حدیث، تلاش‌های زیادی در حفظ و ترویج و توجیه آن کرده‌اند؛ هر چند عالمان شیعی، همیشه بر جعلی بودن آن تأکید داشته و اسناد و محتوای آن را مخدوش دانسته‌اند. در دهه اخیر، ورود جریان استشراق به نقد و ارزیابی این حدیث و رسیدن به همان دیدگاه عالمان شیعه جالب توجه است. بر پایه نتایج یکی از پژوهش‌های استشراقی، جعل هوشمندانه «عشره مبشره» برای استفاده‌های سیاسی مدرسه خلفا در تثبیت نظریه خلافت، در تقابل با نظریه نص، در مدرسه اهل بیت علیهم‌السلام کاملاً مشهود است.

کلید واژه‌ها: عشره مبشره، مایا یازگی، احادیث سیاسی، جعل حدیث، خلافت صحابه.

درآمد

رابطه متقابل سیاست و حدیث، مسأله‌ای بس مهم و قابل درنگ در تاریخ حدیث مسلمانان، اعم از شیعه و اهل سنت به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که بدون توجه به مناسبات

۱. استادیار دانشگاه تهران - پردیس فارابی (ali.rad@ut.ac.ir).

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث (پژوهشکده تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام) و دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و

حدیث قم.

سیاست و نقش آن در جریان جعل حدیث، تصویر دقیقی از فراز و فرود تاریخ حدیث نمی‌توان ارائه داد. واقعیت این است که سلطه سیاسی، به سان سلطه فرهنگی و عصبیت قومی و ملی، نقش پررنگی در پدیداری متون حدیث‌نما و زدایش احادیث اصیل داشته است؛ همان گونه که در رجال اهل سنت، جایگاه و وابستگی‌های سیاسی در ارزش‌گذاری راویان نقش پررنگی داشته و سبب برخورداری بیشتر افراد نزدیک‌تر به هرم قدرت و سیاست از وثاقت رجالی شده است. علامه عسکری از این افراد، به اصحاب الجاه و السلطه والیان و حاکمان یاد کرده که همواره نگاهی تکریم‌آمیز به آنان در اندیشه رجالی اهل سنت حاکم بوده است.^۳

این فضیلت‌تراشی تا حدی افراطی است که برخی شیفتگان معاویه، نفرین نبوی «لا اشبع الله بطنه» را در شأن وی، فضیلت و دعایی مستجاب پنداشته^۴ و مخالفان چنین فضیلت‌سازی از این روایت را، چون نسایی صاحب السنن، به دلیل انکارش تا حد مرگ زدند و او را به شیعه‌گرایی متهم کردند.^۵

محققان چنین تأویلی را از این روایت نبوی مردود دانسته و باورمندی به آن را متأثر از دل‌بستگی به معاویه دانسته‌اند.^۶ به همین سان، در برخی از کتب رجالی اهل سنت، عمر بن سعد بن ابی وقاص، کارگزار اموی در حماسه کربلای حسینی را ثقه دانسته و در شرح حال وی، بعد از توثیقش، با افتخار چنین آورده‌اند:

هو الذی قتل الحسین علیه السلام.^۷

زهی جلالت، فصاحت و قباحت بر چنین داوری در باره شخصی که به هوس مُلک ری، خون در دانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و یاران با وفایش را ظالمانه بر زمین ریخت. این داوری‌ها سند گویایی بر ذبح حقیقت و راستی در آستان سیاست و قدرت است که سنت نبوی و دانش‌های میراث‌داران، چون رجال و حدیث را در دست‌یابی به اهداف شوم خود استخدام کرده است.

حدیث پژوهی دوره معاصر، در پرتو مطالعات تاریخ تحلیلی و نقد تاریخی، نتایج

۳. عبد الله سبأ، ج ۱، ص ۲۳.

۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۲۳.

۵. خصائص امیر المومنین علیه السلام، ص ۲۳؛ دراسات فی الحدیث والمحدثین، ص ۲۷.

۶. وضوء النبوی، ج ۲، ص ۵۲۳.

۷. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۴۵۰؛ شرح احقاق الحق، ج ۱، ص ۲۲.

مهمی را در بررسی مناسبات سیاست و حدیث ارائه نموده است. در چند دهه اخیر، محققان باریک بین و نکته سنج شیعه، نقش امویان و عباسیان را در جعل حدیث از زوایای مختلفی بررسی کرده و انتفاع سلطه سیاسی در تثبیت موقعیت خود و براندازی مخالفان را در نمونه هایی از روایات اهل سنت عینی نموده اند. سید علی میلانی در *الرسائل العشر فی الأحادیث الموضوعه فی کتب السنه*، محمد علی الحلو در *تاریخ الحدیث النبوی بین سلطه النص و نص السلطه*، سید کمال حیدری در *معالم الإسلام الأموی*، علامه امینی در «الوضاعون و أحادیثهم الموضوعه»^۸ الغدیر، از شمار آنها هستند که به تأثیر و تأثر سیاست و حدیث توجه نشان داده اند.

در میان محققان اهل سنت نیز رگه هایی از این رهیافت انتقادی را در آثاری چون *الخلافة والملوکیه از ابوالاعلی مودودی*، *السلطه فی الإسلام والعقل الفقهی السلفی بین النص والتاریخ از عبد الجواد یاسین*، *الموضوعات* (باب مجمع فضائل ابی بکر و عمر) از ابن جوزی، *تذکره الموضوعات از محمد طاهر فتنی* و... می توان ردیابی کرد.

استشراق، جریان دیگری است که در سده اخیر به مناسبات و تأثیر و تأثرات سیاست و حدیث اسلامی توجه نموده، و پژوهش هایی را در این عرصه نشر داده است. بتریشا کرونه در دو کتاب مهم *هاجریسیم و اندیشه سیاسی در صدر اسلام*، ویلفرد مادلونگ در دو کتاب *جانشینی محمد ﷺ و فرقه های اسلامی در سده های میانی*، ویلیام مونتگمری وات^۸، اتان کلبرگ، نایبا آبوت، ... در برخی از نگاشته های خودشان، به مسائل، تحولات و طیف های سیاسی رایج میان مسلمانان صدر اسلام پرداخته اند.^۹ *سیرة سیاسی رسول خدا ﷺ* نیز از دیگر عرصه های مورد توجه خاورشناسان در حدیث پژوهی است که نوشته های مهمی از آنان نشر یافته است.^{۱۰}

برای نمونه، بیل وارنر (Bill Warner) در کتاب *The Political Traditions of Mohammed* (سنت سیاسی محمد ﷺ) تلاش داشته که چنین نگاهی به احادیث سیاسی رسول خدا ﷺ داشته باشد.

مایا یازیگی (Maya Yazigi) از جمله خاورشناسان معاصر است که در مقاله «حدیث

۸. رک: جریان شناسی سیره پژوهی در غرب با تأکید بر دیدگاه های ویلیام مونتگمری وات، ۷۱۹ ص.

۹. رک: «حدیث پژوهی در نگاشته های مستشرقان»، ص ۲۱۸.

۱۰. رک: «سیره پژوهی در غرب: گزیده متون و منابع، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی»، ۲۳۶ ص.

عشره یا استفاده سیاسی از سنت»،^{۱۱} با محور قراردادن حدیث عشره مبشره، به تحلیل انتفاع هوشمندانه دستگاه خلافت از جعل این روایت برای تثبیت نظریه سیاسی خود پرداخته است. یازگی استاد دانشگاه کلمبیا بوده و گرایش مطالعاتی وی تاریخ صدر اسلام با محوریت مسائل اجتماعی، سیاسی، زنان و... است. از وی تا کنون شش مقاله و یک جلد کتاب منتشر شده است.^{۱۲} پژوهش حاضر، ضمن بازشناسی اندیشه و روش یازگی در این مقاله، به ارزیابی آن پرداخته است. ساختار پژوهش بر اساس مسائل اصلی طرح شده در مقاله یازگی بوده و برای هر یک از این مسائل، عنوانی علمی انتخاب شده و سپس دیدگاه وی تقریر و نقد شده است.

در پژوهش‌های نشر یافته، نگاشته‌ای با محوریت موضوع این مقاله یافت نشد. از این رو، پژوهش حاضر از جمله مقالات نخستین به شمار می‌آید که به نقد دیدگاه‌های یازگی پرداخته است.

۱. تاریخ گذاری و گفتمان صدور

یازگی در بخش نخست مقاله خود، با جمله‌ای کوتاه، چنین به تاریخ ظهور روایت عشره مبشره در میراث اسلامی پرداخته است:

نخستین منبعی که «عشره مبشره» در آن ظهور یافته، حدیث است.^{۱۳}

وی به همین مقدار بسنده کرده و تحلیل تاریخی و گفتمانی از آن ارائه نکرده است. روشن است که در تحلیل گفتمانی و تاریخ گذاری، ویژگی‌های اسنادی، گرایش‌های روایان، نوع و اعتبار مصادر، امکان سنجی تاریخی صدور و... بسیار ضروری است که در قالب نکاتی به آنها اشاره می‌شود:

اول) حدیث «عشره مبشره» فقط در گفتمان حدیثی اهل سنت مطرح شده و میراث روایی شیعی فاقد چنین پنداره‌ای است؛ عالمان شیعی از زمان طرح این پنداره در اندیشه حدیثی اهل سنت تا کنون با آن مخالفت نموده و نقدهای جدی بر اصل صدور و

۱۱. مقاله «Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition» در مجله STUDIA ISLAMICA، شماره

۸۶، سال ۱۹۹۷م، ص ۱۵۹ - ۱۶۷ چاپ شده است.

۱۲. رک: «گونه پژوهی پژوهش‌های فقه الحدیثی خاورشناسان»، ص ۳۶.

13. Yazigi Maya, Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition, P 160.

محتوایی آن بیان کرده‌اند.^{۱۴} این نشان می‌دهد که این حدیث در یک بستر جدلی - سیاسی مطرح شده و مذاهب اسلامی اختلاف جدی در صدور آن از رسول خدا ﷺ دارند. با وجود مخالفت شیعه با انگاره عشره مبشره، گفتمان اجماعی نیست، لکن نظر به اکثریت نسبی اهل سنت در جهان اسلام، گفتمان غالب به شمار می‌آید.

دوم) اگر یک مسأله مهم و بنیادی در اندیشه اسلامی، ریشه در قرآن داشته و وحی قرآنی آن را به عنوان یک اصل مطرح نموده باشد، دیگر مجال تردید در پذیرش صدور آن نبوده و با عیار گفتمان قرآنی می‌توان آن را قبول یا رد نمود.

اصل طرح موضوع در قرآن، به دنبال خود، تبیین سنت نبوی را در پی خواهد داشت. از این رو، امکان صدور روایت نبوی در باره موضوع قوت می‌گیرد. حال اگر مسأله‌ای فاقد این ویژگی باشد، معیار داوری در باره آن چیست؟ آیا صرف انتساب صدور روایتی به رسول خدا ﷺ در واقع نمایی از تاریخ و گفتمان طرح و رواج آن در دوره نبوی کافی است؟ با تحلیل تاریخی روشن می‌شود که خیلی از واضعان حدیث، مسأله‌ای را که اساساً در عهد نبوی موضوعیت نداشته و حتی فاقد مصداق در عصر ایشان بوده است، به وی نسبت داده و به دنبال اعتبار سازی و پیشینه تراشی برای آن بوده‌اند. پنداره «عشره مبشره» فاقد پیشینه و مستند در آیات قرآنی است؛ بدین معنا که در قرآن تأیید شخصیت‌های خاص صحابه و تضمین قطعی بهشتی شدن آنان، آن گونه که این حدیث نمای ادعا دارد، وجود ندارد؛ اساساً سبک قرآنی، جریان شناسانه بوده و جز در موارد خاصی به مصداق ورود نکرده است؛ برای نمونه، جریان نفاق - که بر پایه آیات پدیده‌ای مسلم در دوره نزول وحی قرآنی بوده است - به شکل جریانی مورد تحلیل قرار گرفته و از تصریح به اسامی منافقان شاخص و مهم خودداری شده است. به همین سان، در باره صحابه عمل شده است.

البته در قرآن از پاداش‌های بهشتی وابسته به عملکرد نیک صحابه، همانند دیگر مؤمنان راستین، سخن رفته است که با ادعای عشره مبشره تفاوت ماهوی دارد. از این رو، در گفتمان وحی قرآنی چنین ادعایی مطرح نبوده و با اسلوب آن در پرداختن به مسائل و موضوعات تفاوت دارد. از این رو، نمی‌توان پنداره صحابه‌ای بی‌گمان بهشتی را در قرآن ردیابی یا اثبات کرد.

۱۴. رک: احتجاج، ج ۲، ص ۳۷۶ - ۳۷۷؛ بحار الانوار، ج ۳۲، ۲۱۶ - ۲۱۷؛ تشیید المطاعن لکشف الضغائن، ج ۱۲، ص ۴۴۶؛ الغدیر، ج ۱۰، ص ۱۱۸ - ۱۲۸؛ اللجنة والنار، ص ۴۲۴ - ۴۵۱.

نکته مهم دیگری که یازیزی در گفتمان شناسی تاریخی ظهور روایت عشره مبشوره در جوامع حدیثی بدان تصریح می‌کند، تأخیر معنادار ظهور این روایت در منابع حدیثی اهل سنت است:

قرینه آشکاری وجود دارد که شهرت نظریه «ده صحابه منتخب» در اخبار اسلامی دیر هنگام توسعه یافته است. البته این توسعه، بعدها بر نگاه‌های «السنن» و «الطبقات» نزدیک به قرن نهم (سوم هجری) تأثیر گذار بوده است.^{۱۵} ... زمانی که وقایع در قرن یازدهم (قرن پنجم هجری) شروع به تغییر و دگرگونی کرد، زمان آن بود که این موضوع در این آثار اهمیت فزاینده‌ای بیابد. کتاب‌های طبقات، به ویژه تراجم نگاران، شروع به معرفی شخصیت هر یک از ده نفر بشارت یافته در حدیث عشره کردند؛ با این توصیف که به این افراد وعده بهشت داده شده است. به طور آشکار، این دگرگونی سیر وقایع از زمانی رخ داد که نقل سعید بن زید از حدیث عشره نسبت به نقل‌های دیگر این حدیث از اولویت برخوردار شد.

از قرن دوازدهم به بعد، کتاب مستقلی به موضوع «فضائل عشره» یا «پاکدامنی ده تن» اختصاص یافت^{۱۶} و به عنوان یک موضوع مردم‌پسند در نگاه‌های مذهبی متأخر اهل سنت باقی ماند.^{۱۷} دقیقاً از این زمان است که ریشه‌های جعل در توضیح اهمیت این گروه و غنی سازی پایه‌ها و زمینه‌های آنها در مکتوبات حدیثی ظهور پیدا می‌کند.^{۱۸}

واقعیت، این است که نویسنده به دقت، ظهور تاریخی متأخر انگاره عشره مبشوره را در میراث حدیثی، طبقات نگاری و تراجم نویسی اهل سنت برجسته و نشان‌دار کرده است. هم‌چنین، به عدم طرح آن در میراث متقدم و کهن اهل سنت به عنوان حلقه مفقوده

۱۵. مقصود یازیزی این است که در کتب اصلی حدیثی اهل سنت، پیش از صحیح مسلم و صحیح البخاری، این روایت نقل نشده است؛ یعنی تا نیمه اول قرن سوم هجری این روایت شناخته شده نیست و در این قرن، با نقل آن در برخی از جوامع روایی، اقبال به گزارش آن در کتب سنن و طبقات افزایش می‌یابد.

۱۶. رک: خصائص العشرة الكرام البررة؛ طبری، الرياض النضرة فی مناقب العشرة؛ سيرة النبي واصحابه العشرة؛ بوری، الجوهر فی نسب النبي واصحابه العشرة.

۱۷. رک: من فضائل العشرة المبشرين بالجنة؛ جزيل المنة فی سيرة المبشرين بالجنة.

۱۸. برای نمونه، محب الدین طبری در خبری نقل می‌کند که خداوند ارواح عشره را قبل از خلقت آنها جمع کرده است و به صورت یک پرندۀ روحانی انوار آنها را گسترانده است (الرياض النضرة فی مناقب العشرة، ج ۱، ص ۲۹).

تاریخی این بحث توجه کرده و آن را قرینه‌ای بر عدم رواج این انگاره در گفتمان محدثان و عالمان کهن سنی گرفته است.

در تأیید سخن وی باید افزود که اگر چنین فضیلتی نزد محدثان و عالمان کهن سنی شناخته شده بود، طبیعی می‌نماید که آنان نه تنها آن را نقل و ثبت می‌کردند، بلکه نظر به اهمیت کارکردهای محتوایی آن، تک‌نگاری‌های خاصی برای ترویج این حدیث می‌نگاشتند و آن را در فرهنگ عامه مسلمین تبلیغ می‌کردند.

تأخیر دیر هنگام این اقدام در تاریخ حدیث اهل سنت، تنها یک تفسیر دارد و آن، این که نزد محدثان جامع نگار قرن دوم هجری این انگاره شناخته شده نبوده است یا بنا به دلایلی از جمله جعل، آن را شایسته نقل ندانسته‌اند و گرنه با وجود زمینه‌ها و انگیزه‌های مذهبی و سیاسی آنان به طور قطع به نقل، ثبت و ترویج آن اقدام می‌کردند. هم‌چنین، این تفسیر بدین معنا است که با پذیرش دیر هنگام این انگاره به عنوان حدیث در جوامع حدیثی، پشتوانه‌های توجیهی آن در کتاب‌های طبقات و تراجم ظهور یافت تا با باسازی شخصیت افراد یاد شده، در این روایت ساختگی، دفاع مقبولی در برابر آیندگان و عوام از مخاطبان داشته باشند؛ اما از نقد تاریخی فرهیختگان غفلت نمودند و جعل یخ‌گون آنان در برابر آفتاب نقد نکته‌سنجان وا شد که در حکمت‌های لقمانی آمده است:

اخلص العمل فان الناقد بصیر.^{۱۹}

۲. تعدد صدور یا نقل

بنا بر ادعای نویسنده، سه گونه‌ی متنی از عشره مبشره در میراث حدیثی اهل سنت وجود دارد^{۲۰} که ادعای صدور از رسول خدا ﷺ را دارند. اگر مراد ایشان از سه گونه‌ی متنی، سه حدیث مستقل از رسول خدا ﷺ باشد، ادعای ایشان فاقد دلیل اثباتی است؛ زیرا بر فرض اثبات صحت اصل صدور، تعدد اسناد آن، الزاماً مساوی با صدور جداگانه تک‌تک روایات از رسول خدا ﷺ نیست و نمی‌توان از آن، تکرار صدور در موقعیت‌های مختلف و در نهایت اهمیت‌سازی برای محتوای حدیث را ادعا کرد.

به نظر می‌آید عشره مبشره بیش از یک متن نیست که به گونه‌های متنوعی به رسول خدا ﷺ نسبت داده شده است. تعدد ثبت آن در جوامع حدیثی نیز دلیل تعدد اصل

۱۹. موسوعة احادیث اهل البيت ﷺ، ج ۷، ص ۳۱۷.

20. Yazigi Maya, *Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition*, P 160

روایت نیست. بطلان این ادعا - که تکرار یک روایت از راویان یا صحابه و نقل آن در جوامع روایی متنوع، دلیل بر تعدد صدور آن است - بسی روشن است؛ زیرا چه بسا رسول خدا ﷺ فقط یک بار در طول عمر خود حدیثی را بیان کرده باشند و صحابه آن را دست به دست نقل کرده و مؤلفان به نقل از آثار یک دیگر در کتاب‌های خود، آن را گزارش کرده باشند. نظر به احتمال اهمیت تراشی برای موضوع عشره مبشره با استناد به تکرار و تعدد نقل‌های آن، ضروری بود که نویسنده به این بحث توجه نشان می‌داد و با دقت بیشتری در باره آمار آن داوری می‌نمود؛ مگر این که یازیگی ادعا کند مراد وی از سه گونه، اشاره به تفاوت‌های متنی بوده است، نه صدور متعدد آن از رسول خدا ﷺ.

۳. اسناد روایت

ناقل اصلی روایت عشره مبشره، عبد الرحمن بن عوف و سعید بن زید نوفلی، دوتن از صحابه هستند که با اسناد متفاوتی از ایشان گزارش شده است. یازیگی در مقایسه اسناد آن دو می‌نویسد:

ترمذی، آشکارا گفته است که روایت عبد الرحمن بن عوف از روایت سعید بن زید از وثوق کمتری برخوردار است.^{۲۱} محب الدین طبری نیز ادعا کرده است که بخاری آن را از نقل سعید بن زید، ضعیف‌تر دانسته است؛^{۲۲} در حالی که «مزی»^{۲۳} و «ون سینک»^{۲۴} یادآور نشده‌اند که در صحیح البخاری، حدیثی در باره «عشره» وجود ندارد. در هر صورت، روایت عبد الرحمن بن عوف از عشره مبشره تا بیش از قرن نهم باقی نمانده است و نقل‌های منسوب به سعید بن زید بن نوفلی از این حدیث بیشتر شهرت یافته است. از همین رو، روایات وی در این مقاله بیشترین شایستگی توجه را خواهد داشت.^{۲۵}

هر چند نویسنده دقت خوبی را در این ارزیابی نشان داده است، لکن در بررسی دیدگاه وی باید به نکات ذیل توجه داشت:

یک) علت ضعف روایت عبد الرحمن در هیچ کدام از ادله وی تبیین نشده است.

۲۱. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۱۱ - ۳۱۲.

۲۲. الرياض النضرة فی مناقب العشرة، ج ۱، ص ۳۰ - ۳۱.

۲۳. تقریب تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف، ج ۱، ص ۳۵۹ - ۳۶۰ و ج ۲، ص ۲۳۸ - ۲۴۰.

24. A. J. Wensinck ' Hand book of early muhammedan tradition.

25. Yazigi Maya, Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition, P 160

دو) بر پایه اسناد موجود، نقل حدیث از خود عبد الرحمن بن عوف در جوامع حدیثی ثابت نشده و این روایت از پسرش حمید بن عبد الرحمن بن عوف نقل شده است و ترمذی نیز این نکته را یاد آور شده است که حدیث حمید بن عبد الرحمن بن عوف از سعید بن زید نوفلی صحیح‌تر از حدیث او از پدرش است؛^{۲۶} بدین معنا که طریق حمید از پدرش مرسل بوده و نمی‌توانست از پدرش روایت کند، و طبق نظر اهل سنّت سند منقطع معتبر نیست؛ زیرا حمید بن عبد الرحمن بن عوف در سال ۳۲ هجری^{۲۷} متولد شده و پدرش، عبد الرحمن بن عوف در سال‌های ۳۱، ۳۲ و یا ۳۳ وفات یافته است.^{۲۸} بر این اساس، او نمی‌تواند از پدرش حدیثی را نقل کرده باشد؛ چون او یا پدرش را درک نکرده و یا مدت بسیار کوتاهی با او همراه بوده است و در این مدت، امکان دریافت حدیث و نقل آن غیر ممکن می‌نماید؛ مگر این که احتمال داده شود نقل وی از پدرش شفاهی نبوده و بعدها از نوشته‌های حدیثی او نقل کرده است که در این صورت بایستی ادله و قراین اثباتی آن ارائه گردد.

سه) بنا به اظهار یازگی، حدیث عشره مبشره در سنن ابن ماجه، ابوداود، ترمذی و نسایی به نقل‌های مختلف گزارش شده، لکن در صحیح بخاری و مسلم نقل نشده است.^{۲۹} حال چگونه با استناد به نظر محب الدین طبری علیه مرّی و ون سینک خرده گرفته است؟ به هر روی، وضعیت نقل آن در صحیح بخاری و مسلم را مبهم و معلق بین نفی و اثبات نگه داشته است. این بخش از داوری یازگی دچار دوگانگی و گونه‌ای تناقض‌گویی است.

در ادامه، یازگی به روایت سعید بن زید نوفلی پرداخته و محتوای آن را از ابعادی حایز اهمیت خوانده است. وی در تحلیل روایت نوفلی چنین می‌نویسد:

روایت سعید بن زید نوفلی، جالب توجه است؛ زیرا در آن، به دو فهرست از اسامی عشره مبشره اشاره شده که هر دو به سعید بن زید منسوب است. در اولین فهرست «افراد ده گانه» عبارت‌اند از: پیامبر ﷺ، ابوبکر، عمر، عثمان، علی علیه السلام، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، سعید بن زید بن نوفلی و عبد

۲۶. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۱۱ - ۳۱۲.

۲۷. تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۴۰ - ۴۱.

۲۸. تهذیب الکمال، ج ۱۷، ص ۳۲۴.

29. Yazigi Maya, *Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition*, P 159

الرحمن بن عوف؛^{۳۰} ولی فهرست دوم - که در منابع مهم متأخر آمده است - پیامبر ﷺ را شامل نیست، حال، آن که ابو عبیده بن جراح در این فهرست وجود دارد.^{۳۱} هر چند این تفاوت بین دو فهرست وجود دارد، لکن واقعیت این است که فهرست‌ها در یادکرد افراد همانند هم هستند.

در بیشتر نقل‌های دو فهرست، سعید بن زید می‌خواهد سوابق نه تن از «عشره» را تحت عنوان «این همانی» - یعنی همه مثل هم هستند - جلوه دهد و به طور آشکار به مخاطب تلقین کند که او «این همانی ده نفر» در روایت را می‌داند. وی زمانی که بر ارائه اطلاعات درباره شناسایی شخصیت عضو آخر تأکید دارد، بهتر می‌داند که منتظر بماند تا مخاطبان سؤال را تکرار کنند و او از روی اکراه، خودش را به جای آن عضو معرفی می‌کند. این صحابی (عضو آخر فهرست) کسی که ظاهراً اعتبار کمی دارد،^{۳۲} منبع اخبار سه‌گانه است. او در موقعیت یک سان با معروف‌ترین صحابه، همانند چهار خلیفه راشدین قرار دارد.^{۳۳}

نویسنده، هر چند به خوبی به اختلاف طرق و متن نقل‌های روایت نوفلی توجه نشان داده است، لکن در اعتبارسنجی اسناد و راویان، زمان صدور، اختلاف معنادار متن‌ها با یک دیگر، درنگ کافی نداشته است و چنان چه تأمل بیشتری می‌کرد، به نتیجه‌ای دقیق‌تر دست می‌یافت. در ارزیابی دیدگاه یازگی در باره روایت سعید بن زید نوفلی از نکات مهمی غفلت شده است:

یک) هر چند ادعای «این همانی» یاد شده در فهرست اسامی عشره، با اندک تسامحی پذیرفتنی است، اما مقصود وی از آن دقیقاً معلوم نشده است که آیا این افراد در اعمال و کردارشان همه مثل هم هستند؟ یا در مقام و منزلت با هم همانند هستند؟ آیا این همانندی در بهشتی بودن آنها است یا در به دست آوردن جانشینی پیامبر ﷺ؟ و آیا صحابه یاد شده با پیامبر ﷺ در یک رتبه و جایگاه قرار دارند؟ به هر روی، معیاری که این افراد را ذیل عنوان مبشره جمع نموده است، در تحلیل یازگی بیان نشده است. دو) آسیب‌های اسناد روایت نوفلی برای خواننده به دقت تبیین نشده است. شایان

۳۰. سنن ابی داود، ج ۴ ص ۲۱۱ - ۲۱۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱ ص ۴۸؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۱۵ - ۳۱۶.

۳۱. سنن الترمذی، ج ۵ ص ۳۱۱ - ۳۱۲.

۳۲. احمد بن حنبل در کتاب فضائل الصحابه ضرورتی نمی‌یابد که او را در میان عشره برشمارد.

33. Yazigi Maya, Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition, P 161

ذکر است که بر اساس دیدگاه‌های رجالی اهل سنت در طرق این روایت، افرادی هستند که با عبارات «سِیِّء الحفظ، مستور، لا یحتج به، منکر الحدیث...» جرح شده‌اند.^{۳۴} بدیهی است که تذکر خواننده به چنین آسیب‌های اسنادی، ضرورت یک پژوهش حدیثی بوده و اغماض از آن توجیه ناپذیر است. شاید به همین دلیل بوده است که روایت نوفلی در دو منبع صحیح بخاری و مسلم - که از نظراهل سنت بعد از قرآن معتبرترین کتاب‌ها هستند^{۳۵} - نقل نشده است. برجسته‌نمایی عدم گزارش این روایت در این دو مصدر مهم حدیثی اهل سنت و تحلیل دقیق رجالی دلیل آن، نکته مهمی است که چنین پژوهش‌هایی آن را اقتضا دارد و محقق باید بدان توجه جدی نماید.

سه) در نقل سنن ابی داود، طریق روایت نوفلی به دوران معاویه ارجاع داده شده^{۳۶} و اثری از یادکرد آن در دوران ابوبکر، عمر و عثمان وجود ندارد. چه بسا اگر صدور این خبر از پیامبر ﷺ در دوران خلفای سه گانه شهرت داشت، به احتمال نزدیک به قطع در توجیه عملکرد اجتماعی و تثبیت موقعیت سیاسی خود بدان استناد می‌کردند. فقدان استناد خلفا به این متن و آسیب‌های جدی اسنادی آن و شیوع نقل آن از دوران معاویه زمینه‌های تردید جدی را در جعل آن ایجاد می‌کند.

چهار) روایت سعید بن زید نوفلی از لحاظ متنی و دلالت محتوایی نیز دچار آسیب‌هایی است که جعلی بودن آن را تقویت می‌نماید. گوناگونی متن، به همراه اختلافات محتوایی نسخه‌های آن با هم دیگر این روایت را در شمار ردیف احادیث غریب المتن، مضطرب، مزید و مطروح قرار می‌دهد؛ نمونه‌هایی از این اختلاف در متن روایت نوفلی عبارت است از:

الف) فضا سازی غیر واقعی زمینه نقل

بنا بر نقل سنن ابی داود، نحوه شروع جلسه نقل نوفلی، نامعلوم بودن سخنران، انتخاب سعید از بین مردم، طفره رفتن سعید از پاسخ و تأمل سعید در گفتن آخرین نفر،^{۳۷} حاکی از اضطرابی آشکار در گزارش فضای نقل این روایت بوده و به شبیه سازی هوشمندانه فضای

۳۴. تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۳۶ و ج ۶، ص ۳۱۵ - ۳۱۶؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۱۷.

۳۵. شرح النووی علی صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۴؛ طبقات المحمّدین بأصبهان، ج ۱، ص ۶۵.

۳۶. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۲۱۲ - ۲۱۱. گویا مراد نویسنده این است که نقل عشره مبشره بر پایه نقل ابوداود از دوره معاویه شیوع یافته است.

۳۷. همان.

از سوی خود راوی شبیه‌تر است تا فضای واقعی نقل آن.

ب) تعارض درونی و بیرونی

جالب آن که در نسخه دیگر این روایت، پیامبر ﷺ دهمین نفر بیان شده است: «کان رسول الله عاشر عشرة»^{۳۸} که با نسخه قبلی - که وی اولین نفر از عشره مبشره بود - در تعارضی آشکار است؛ تفاوت در شأن رتبی اولین و آخرین بسی روشن است و معلوم نیست چرا در یک نسخه، ایشان اول بوده و در نسخه دیگر به آخر فهرست انتقال یافته است که از آن به تعارض درونی یاد می‌کنیم؛ زیرا شأن و شرافت مقامی و رتبی ایشان رعایت نشده و نوعی هم‌سان‌انگاری شأن رسول خدا ﷺ با دیگر صحابه مشهود است.

هم‌چنین، این روایت با سیره نبوی - که توأمان با تواضع و فروتنی بوده است - در تعارض ماهوی است. بر پایه بیشتر نسخه‌های نوفلی، رسول خدا ﷺ برای جانمایی خود در گروه عشره مبشره از تحریک عواطف و حس کنجکاوی مردم در پرسش از دهمین نفر بهره برده است. این روش با سیاق احادیث نبوی سازگار نیست^{۳۹} و اساساً بهشتی بودن ایشان، با توجه به ادله قرآنی و عقلی دیگر برای مخاطبان روشن بوده است. این سبک پردازش متن بیشتر به سبک قصه پردازان شبیه‌تر است که از عناصر عاطفی مخاطب بهره می‌برند.

ج) اختلاف در عدد

نوسان اسامی مردان مبشره در روایت نوفلی از یک تا سه نفر است؛ زیرا گاهی نه، گاهی ده و حتی یازده نفر نیز گزارش شده‌اند.^{۴۰} بالاخره دقیقاً معلوم نمی‌شود که آنها چند نفر هستند. این چندگانگی اعداد مردان مبشره سبب اختلاف متنی نسخه‌های این روایت با یک دیگر شده و شبهه ادراج متنی یا تحریف را نیز در ذهن مخاطب تداعی می‌کند. بنا بر یک فرضیه، در صورت فقدان دلیل یا قرینه در رفع این اختلاف، روایت نه و یازده نفر از درجه اعتبار ساقط می‌شود؛ زیرا با مفهوم عشره قابل جمع نیستند؛ چون معناداری عدد ده نافی غیر خود است. هم‌چنین، عشره شهرت روایی بیشتری از نه و یازده دارد. فرضیه دیگر، این است که با استناد به رای مفهوم نداشتن عدد، گفته شود اساساً عشره در این روایت مفهوم ندارد که در این صورت، فروض تعارض سه وجهی شده و دلیلی بر

۳۸. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۸.

۳۹. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۱۵ - ۳۱۶؛ سنن ابی داود، ج ۴، ص ۲۱۱ - ۲۱۲.

40. Yazigi Maya, Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition, P 161

ترجیح یکی برد دیگری نخواهیم داشت و این، دامنه اختلاف را توسعه داده و هم‌چنان غیر قابل رفع باقی خواهد ماند.^{۴۱} در فرضیه اخیر، اصل بشارت نبوی نیز به این افراد محل مناقشه خواهد بود؛ مگر این که گفته شود افراد یاد شده از باب مثال شاخص بوده، لکن بشارت یافتگان به بهشت منحصر در این عدد نیستند و هر فردی به سان این افراد باشد، در زمره آنها خواهد بود. از این رو، خصوصیت ویژه‌ای در یادکرد این افراد، جز تمثیل مقصود نبوده است. البته این فرضیه با نگره مشهور اهل سنت در مخالفت جدی است. هم‌چنین، می‌توان به ضعف بلاغی در روایت نوفلی نیز اشاره کرد که در آن رسول خدا ﷺ بعد از این که فرمود: «عشرة فی الجنة»، در مقام بیان اولین نفر از تعبیر «النبی فی الجنة» استفاده کرده است. با توجه به فصاحت و بلاغت بیان نبوی بهتر بود ایشان می‌فرمود: «انا فی الجنة» که بلیغ‌تر از قبلی بوده و در تأکید و تصریح مراد وی نیز فاقد هر نوع ابهام و اجمالی است.

۴. عدد ده؛ اسطوره عدد کامل

یازگی در بخشی از مقاله خود به گزینش هوشمندانه در بهره‌گیری از اسطوره عدد ده، به عنوان نماد عدد کامل در حدیث عشره مبشره اشاره کرده و آن را در شمار متون پیشا اسلامی رایج در مسیحیت دانسته است. وی در این باره چنین می‌نویسد:

گزینش عدد ده در حدیث «عشره مبشره» فی حد ذاته دارای اهمیت است؛ زیرا کاربرد عدد ده به افسانه‌ای پیش از قرن ششم قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد؛ زمانی که عدد ده به عنوان «عدد کامل» توسط فیثاغورث از سائوس (۴۸۰ - ۵۶۰ قبل از میلاد) معرفی شد. چنین معنای رمزی از عدد ده ممکن است بر نویسندگان منابع اسلامی تأثیر گذاشته باشد. به نظر می‌رسد که جعل در این حدیث رخ داده باشد؛ زیرا افراد مذکور، پیش از عضو آخر، به عنوان گروه «عشره» فهرست شدند.... بنا بر این، نماد عدد ده برای برخی از چهره‌های موثق این روایت اهمیت مضاعفی دارد.^{۴۲}

بنا بر این تحلیل، رابطه معناداری میان جعل این حدیث و اسطوره عدد ده وجود دارد؛

۴۱. البته دقیق‌ترین است که گفته شود نتیجه مفهوم داشتن عدد و یا تعارض آنها، سقوط مورد اختلاف است، موارد متفق علیه نقل‌ها، یعنی نه نفر باقی می‌ماند.

42. Yazigi Maya, *Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition*, P 161 - 162

اسطوره‌ای که پیش از اسلام در فرهنگ مسیحی رایج بوده است؛ گویی جاعل یا جاعلان این حدیث با آگاهی از اسطوره کامل بودن عدد ده در میان اعداد، و با این پیش فرض که مخاطبان از آن آگاهی دارند، به جعل هوشمندانه این حدیث دست زدند و کمال عدد ده را به کمال افراد یاد شده در این حدیث تسری دادند و به گونه‌ای اسطوره را در دست‌یابی به مراد خویش استخدام کردند. اصل این احتمال، هر چند معقول به نظر می‌رسد، اما شیوع این اسطوره در جامعه اسلامی قرن سوم هجری نیازمند مستندات است که در تحلیل یازگی به آنها اشاره نشده است. البته تبادلات فرهنگی و زبانی اسطوره‌ها و اقتباس نمادها از همدیگر می‌تواند قرینه بر امکان و رواج آن در فرهنگ عربی - اسلامی آن دوره باشد.

فرضیه دیگر، این است که استخدام عدد ده در این روایت، نوعی اقتباس قرآنی بوده است؛ زیرا بر اساس شماری از آیات، عدد ده موضوعیت خاص در برخی رخدادهای معنوی و تکوینی داشته است؛ از این جمله می‌توان به تکمیل میقات موسوی ﷺ با ده شب در آیه «وَإِعْدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَّبِّهِ أَوْبَعِينَ لَيْلَةً»،^{۴۳} سوگند به شب‌های دهگانه در آیه «وَلَيْالٍ عَشْرٍ»،^{۴۴} تکمیل روزه حج با ده روز «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ»^{۴۵} و موارد مشابه آن، در دیگر آیات و روایات اشاره کرد.^{۴۶}

البته این در حد فرضیه است و می‌تواند قرینه‌ای بر حافظه جاعلان اشاره داشته باشد که با یک پیش‌آگاهی و اقتباس از مفهوم عدد ده در فرهنگ اسلامی به استخدام آن در این روایت پرداختند. یازگی، در ادامه، به کاربرد اعداد در متون روایی سایر ادیان نیز اشاره کرده و آن را فرهنگی رایج در روایت‌گری تلقی کرده است که خود می‌تواند در تقویت قرینه قبلی وی موثر باشد:

به کارگیری «نمادین عدد ده» با فهرست‌های متباین از اسامی برای تقویت آن، اختصاص به اخبار اسلامی ندارد و به کارگیری نمادین عدد در اخبار مسلم و

۴۳. سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

۴۴. سوره فجر، آیه ۲.

۴۵. سوره بقره، آیه ۱۹۶.

۴۶. شاید بتوان به زیبایی لفظی و آوایی در این جا نیز استشهاد کرد؛ عشره و مبشره، واج آرایبی و گونه‌ای جناس اشتقاقی دارند.

قطعی دیگر مذاهب نیز مورد توجه خاص بوده است و با قاطعیت افزون تری ما را به دوازده حواری عیسوی^{۴۷} و دوازده قوم یهودی^{۴۸} رهنمون می نماید. افزون بر این، «ابن تومارت» از ایده عشره مبشره در روایات اسلامی، در ادعای مهدویت و همانند ساختن «خودش» به حضرت محمد ﷺ مورد استفاده مجدد قرار گرفت. فهرست اسامی شاگردان او - که شورایی مشکل از ده نفر بودند - چندان استوار نبود و اغلب کمتر از ده نفر بودند.^{۴۹} بنا بر این، نمادگرایی «عدد ده» پیوسته اهمیت مضاعفی از دقت، نسبت به صحت فهرست اسامی، برخوردار است.^{۵۰}

۵. غیبت صحابه ممتاز در عشره مبشره

از نظریاتی، برخی از صحابه ممتاز رسول خدا ﷺ در زمره اسامی عشره مبشره یاد نشده و شماری از دیگر افراد بشارت داده شده به بهشت، در این حدیث گزارش نشده اند. وی از لحن این روایت نوعی حصر در بهشتی شدن این افراد را استنباط کرده و چنین نوشته است:

... مردان و زنان فراوان دیگری هستند که پیشگویی شده اند به بهشت راه خواهند یافت.^{۵۱} پیامبر ﷺ آشکارا ورود آنها را به بهشت وعده داده^{۵۲} یا پیشگویی کرده است،^{۵۳} یا این که از آنها به عنوان مردمانی یاد شده است که جهنمی نخواهند شد. در روایات دیگر، دسترسی به بهشت برای تمام جنگجویان بدر و تمام کسانی که در حدیبیه با پیامبر ﷺ بیعت دادند، به کار برده شده است.^{۵۴} بنا بر این، این پرسش مطرح است که چرا این ده نفر یاد شده در حدیث «عشره» ممتاز شناخته شده اند و چه امتیازی بر دیگر واردین بر بهشت دارند؟ توجیه هم سانی این «ده صحابه» در ورود به بهشت، چندان

47. E. P. Sanders "Jesus and Judasism". Philadelphia : Fortress Press P. 98 - 119.

48. G. Hirsch "The Twelve Tribes" in The Jewish Encyclopedia. New York : Funk and Wagnalls P. vol. XII. P. 253 - 254.

۴۹. نظم الجمان لترتیب ما سلف من اخبار الزمان، ص ۱۲۴ - ۱۲۸.

50. Yazigi Maya, *Hadith al - ashara or The Political Uses of a Tradition*, P 162 - 163

۵۱. الجوهره فی نسب النبی واصحابه العشرة، ج ۱، ص ۲۰۷ - ۲۰۸.

۵۲. صحیح البخاری، ج ۱۵، ص ۵۲ - ۵۳؛ الجوهره فی نسب النبی واصحابه العشرة، ج ۲، ص ۱۹۷ - ۱۹۸. رک: سنن

ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۴؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۲۱.

۵۳. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۸۲ - ۲۸۳؛ وقعة الجمل، ص ۴۴.

۵۴. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۲۱۳.

قانع کننده نیست؛^{۵۵} چرا که به مخالفت این حدیث با دیگر اخباری که افراد دیگر به بهشت وعده داده شده‌اند، نپرداخته است.^{۵۶}

اشکال یازیکی بر تعارض این روایت با سایر اخبار بشارت یافتگان وارد است، لکن وی از یک نکته مهم در باب تعارض نمایی و شرایط تحقق آن غفلت نموده است. اشکال تعارض روایت عشره مبشره با سایر اخبار بشارت یافتگان به بهشت، زمانی قابل طرح است که این روایت به لحاظ صدوری و سندی از اعتبار لازم و حداقل هم‌سان با سایر اخبار بشارت یافتگان بهشت برخوردار باشد. این، در حالی است که خود یازیکی به جعلی بودن روایت عشره مبشره اعتقاد دارد و از سوی دیگر، دیگر روایات بشارت به بهشت از اعتبار بالایی برخوردار بوده و شبهه جعل در باره آنها مطرح نیست؛ مگر این که تعارض نمایی فرضی بوده و بدون توجه به این شرایط باشد. استنباط اختصاص به ذکر از آهنگ روایت نیازمند قرینه درون متنی و برون متنی است که یازیکی به تبیین آنها نپرداخته و ظاهراً در حد احتمال برای وی مطرح شده است.

۶. مؤلفه‌های صحابی مبشره

نکته مهم دیگری که یازیکی در تحلیل روایت عشره مبشره بدان توجه می‌دهد، ابهام در ملاک بهشتی شدن صحابی یاد شده در این فهرست ده نفره است. آیا صرف داشتن عنوان صحابی کافی برای این بشارت است؟ در این صورت، سایر صحابه نیز به دلیل اشتراک در همین عنوان باید در زمره بشارت یافتگان به بهشت باشند که در این صورت، افراد یاد شده در روایت عشره مبشره نباید خصوصیت ویژه‌ای داشته باشند و این بشارت شامل سایر صحابه نیز بشود؛ لکن مشکل این تحلیل، فقدان روایت اثباتی آن از رسول خدا ﷺ و تعارض آن با آیات قرآن و عملکرد برخی از صحابه است که بی‌گمان، پشتوانه دینی بشارت بر بهشت را از آنان سلب می‌کند؛ زیرا در میان آنان افرادی منافق بودند و افرادی که خلاف سیره رسول خدا ﷺ عمل کردند.

در نتیجه، می‌توان این ادعا را مطرح کرد که اساساً داشتن عنوان صحابی شرط این بشارت نیست و بدون آن نیز این بشارت ممکن است؛ روایات موضوع بشارت یافتگان به بهشت مشروط به عنوان خاصی نبوده و این عملکرد ممتاز و نیک افراد از طبقات مختلف

۵۵. الكواکب الدراری فی شرح صحیح البخاری، ج ۱۵، ص ۵۳.

56. Yazigi Maya, *Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition*, P 163 - 164

جامعه اسلامی بوده است که رسول خدا ﷺ نظر به اخلاص و تأثیر عمل این افراد، آنان را بشارت به بهشت داده است که از یک منظر می‌تواند به معنای بیان پاداش عملکرد آنان تفسیر گردد.

از این دقت در تحلیل ملاک بشارت بر می‌آید که بیش از عنوان صحابی، عنوان خلیفه بودن یا دارا بودن عنوان سیاسی در روند حاکمیت نقش اساسی در این بشارت‌دهی داشته است. یازگی این برداشت خود را این گونه بیان می‌کند:

مهم است که توجه شود افراد یاد شده در «حدیث عشره» همگی مرد هستند؛ مردانی که می‌توانستند نقش هدایت سیاسی جامعه را بعد از پیامبر ﷺ ایفا کنند؛ زیرا همه آنها بعد از رحلت پیامبر ﷺ زنده ماندند و افزون بر این به قریش منسوب بودند. بنا بر این، همه آنها شرایط آن را داشتند که جزء «رهبران تأثیرگذار» باشند. در حقیقت، اسامی موجود در حدیث عشره فهرستی از افرادی است که جامعه اسلامی آنها را به عنوان خلفای جانشین پس از رحلت پیامبر ﷺ فرض کرده است.⁵⁷

وی افزون بر دو مؤلفه جنسیت و نژاد، یعنی مرد قریشی، مؤلفه کارکرد سیاسی در گزینش هوشمندانه صحابی یاد شده در عشره مبشره به مؤلفه چهارمی به نام «در قید حیات بودن» اشاره می‌کند. برابر مؤلفه اخیر تنها صحابه‌ای در این فهرست دهگانه می‌آید که افزون بر دارا بودن سه مؤلفه نخست، بعد از رحلت رسول خدا ﷺ زنده بماند. به همین دلیل، صحابه ممتاز و پاک سرشتی چون حمزه - که در دوران رسول خدا ﷺ شهید شد - و دیگر صحابه نیک سیرت از مردان و زنان چون سمیه، یاسر و عمار و ... - که فاقد تمام یا برخی از مؤلفه‌های چهارگانه بودند - در فهرست عشره مبشره نیامده‌اند. این نوعی هوشمندی خاص جاعل در ساختن این متن را می‌رساند؛ زیرا تمامی این ده نفر در این چهار مؤلفه اشتراک دارند؛ هر چند ابعاد دیگر شخصیت اخلاقی، معنوی، علمی و اجتماعی آنان با یک دیگر متفاوت است. یازگی در عبارت ذیل تلاش دارد چنین تحلیلی از عشره مبشره را ارائه نماید:

نتیجه بررسی دقیق این حدیث، عجیب به نظر می‌آید... این حدیث می‌توانست صحابیان معتبری مثل حمزه عموی پیامبر را شامل شود؛ کسی که

57. Yazigi Maya, *Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition*, P 164

در جنگ أحد شهید شد و کسی که همواره به عنوان «سید الشهداء» معرفی می‌شد. با این حال، در هیچ یک از فهرست‌های حدیث عشره یادی از نام وی نیست. بنا بر این، روش فرآیند انتخاب خیلی ساده بوده است؛ به این معنا که صحابه مؤده نمی‌تواند جانشین پیامبر ﷺ پس از رحلت وی شود. از این رو، هیچ اشاره‌ای در ضمیمه شدن او در فهرست «خلفای ممتاز» وجود ندارد.^{۵۸}

و در باره مؤلفه قریشی و سیاسی بودن این صحابه می‌نویسد:

... ده مرد فهرست شده به عنوان منسوب شدگان به عشره همه قریشی هستند.^{۵۹} در حقیقت، اختلاف‌های دو فهرست عبد الرحمن و سعید بن زید از عشره - فهرست عبد الرحمن که پیامبر ﷺ را از فهرست عشره استثنا می‌کند^{۶۰} و هر دو نقل، سعید بن زید را در بردارد^{۶۱} - محدودده متن آنها را که با داشتن عبارت «عَشْرَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ فِي الْجَنَّةِ» ممتاز می‌سازد. دقیقاً این معنا در مقایسه با متن‌های دیگر حدیث عشره: «عَشْرَةٌ فِي الْجَنَّةِ»، وجود دارد. بخشی از این دانسته‌ها ممکن است در نگاه نخستین چندان مهم به نظر نرسند، اما آنها اهمیت مضاعفی خواهند یافت.

اگر کسی محتوای متن روایات را بررسی کند، در می‌یابد که بیشتر روایات در اعتباربخشی به حدیث و خلافت جامعه اسلامی ظهور یافته‌اند. در حقیقت، ره‌آورد این اخبار، این است که بعضی از افراد فهرست شده در این حدیث، «خلیفه» هستند و تحت عنوان برگزیدگان مورد اعتماد پیامبر ﷺ مطرح‌اند، یا این اشخاص کسانی هستند که پیامبر ﷺ آنان را به عنوان جانشینانش مطرح کرده است. در پرتو این نگرش به حدیث، روایات یک رنگ ضد شیعی آشکاری به دست می‌دهند؛ زمانی که این افراد در محدوده آن چه احتمال داشت، به عنوان «فهرست جانشینان ممتاز» مطرح شود، اشخاصی هستند که منسوب به اهل بیت ﷺ نبودند؛ در حالی که حضرت علی ﷺ جزء آنها است. این اخبار ممکن است زمانی برای قریشیان - که ادعای خلافت در باره انصار را داشتند - مورد استفاده قرار گیرد؛ اما در قرن‌های بعد، نشر و شیوع آنها در

58. Ibid. P 164

۵۹. الرياض النضرة فی مناقب العشرة، ج ۱، ص ۲۷ - ۲۸.

۶۰. همان، ج ۱، ص ۳۰ - ۳۱.

۶۱. اصول الدین، ص ۶۶؛ فضائل الصحابه، ص ۱۱۴ - ۱۱۵.

فضای دیدگاه سیاسی شیعه و تهدید آنها نسبت به اهل سنت می تواند بهتر درک شود.^{۶۲}

۷. تثبیت نظریه خلافت؛ فراسوی جعل عشره مبشره

یازگی بعد از اثبات مؤلفه های سیاسی و قریشی بودن صحابی یاد شده در عشره مبشره هدف فراسوی جعل این روایت را در باره مسأله خلافت بعد از رحلت رسول خدا ﷺ دانسته و زمینه های جعل آن را چنین تحلیل می کند:

... حقیقت، این است که در گونه های مختلف حدیث عشره، بیشتر اشخاص ویژگی قریشی بودن را دارا هستند. بعد از رحلت پیامبر ﷺ خلفای راشدین قصد داشتند از این حدیث به عنوان تأییدیه خلافتشان بهره برداری سیاسی نمایند. به نظر می رسد که بخشی از هدفشان، تقویت هويت مشترک اهل سنت با تأکید بر مشروعیت مقبولیت اولین فرد از سه خلیفه برای خنثی کردن ادعاهای شیعه در مخالفت با آنان بوده است. این تبدیل شدن ها به طور قطع، در منابع متعدد (در نقل های مختلف) به یک متن تبدیل می شوند و آن، این که پیغمبر ﷺ ابتدا سه خلیفه را برگزیده و آنها را به بهشت وعده داده است. جالب توجه این که، این روایت همواره در کنار حدیث عشره گزارش شده است یا در عنوان باب صحابه و یا در عنوان هر یک از سه خلیفه گزارش شده است.^{۶۳، ۶۴}

به نظر می آید ادعای یازگی در استفاده خلفای چهارگانه از حدیث عشره مبشره برای تأیید خلافت خود، قابل مناقشه باشد. ادعای خود روایت در تاریخ گذاری صدور آن از رسول خدا ﷺ نمی تواند اقتناع کننده باشد؛ زیرا در این صورت این روایت باید در عهد رسول خدا ﷺ صادر شده و خلیفه شدن ابو بکر و دیگر خلفا و حتی مشاوران سیاسی آنان در این دوره مشخص و مورد رضایت رسول خدا ﷺ باشد؛ در حالی که طرفداران جریان غدیر و برخی از صحابه دیگر، خلافت ابو بکر را قبول نداشتند. الزاماً بشارت به بهستی شدن مستلزم خلیفه شدن فرد نیست. در این صورت، سایر بشارت یافتگان نیز

62. Yazigi Maya, *Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition*, P 164 - 165

۶۳. شرح النووی علی صحیح مسلم، ج ۱۵، ص ۱۶۶ - ۱۶۹؛ الکواکب الدراری فی شرح صحیح البخاری، ج ۱۴، ص ۲۱۵ - ۲۱۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ - ۲۳۰.

64. Yazigi Maya, *Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition*, P 165

می‌توانستند با استناد به روایت نبوی ادعا خلیفه شدن نمایند. به نظر می‌آید قصد جاعل این بوده است که خلافت و عملکرد خلفای سه گانه را بعد از مرگ آنان یا در دوره حیاتشان با این حدیث توجیه نماید. یازیگی در ادامه تلاش کرده است تاریخ گذاری جعل این روایت را چنین تبیین نماید:

گنجاندن چهار خلیفه راشدین، طلحه و زبیر، عبد الرحمن بن عوف و ابو عبیده بن جراح احتمال دارد در یک نگاه واقعی قابل توجیه باشد؛ زیرا برابر چند روایت موجود پیامبر ﷺ با هر یک از آنها به طور خاص در باره دست یابی آنها به بهشت، صحبت کرده است؛ در حالی که تلفیق ابوبکر، عمر، عثمان، علی علیه السلام، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص و عبد الرحمن بن عوف ممکن است در دوره‌های سیاسی بعد، در نقل‌ها به عنوان خلفا یا اعضای شورای عمر بن خطاب به شمار آمده باشد. این شورا به طور سنتی برای تعیین شش صحابه قطعیت یافته بود؛ کسانی که به احتمال قطعی، جانشین عمر بودند. آنها کسانی بودند که عمر فرا خوانده بود که با هم باشند و یکی از میان خودشان را برای جانشینی بعد از عمر انتخاب کنند. بنا بر این، این هماهنگی امکان ندارد که به طور توافقی، به استثنای سعید بن زید، رأی اعضای شورای انتخابی عمر با رای بقیه فهرست عشره یکسان باشد. افزون بر این به اندازه کافی شواهدی در نوشته‌ایی وجود دارد که اظهار می‌کند - ابو عبیده آن زمان در قید حیات بوده است شاید او برای مشارکت در شورا فرا خوانده شده بود. بطور قطع این مشکل ممکن است در باره ابو عبیده جراح حل شده باشد، البته اگر او طبق تئوری هنری لامن یکی از پذیرفته شدگان باشد، یعنی ابوبکر و عمر و عبیده بن جراح همان سه نفری هستند که در شورا معتبر دانسته شدند؛ ابو عبیده نقش سیاسی بسیار مهمی نسبت به آنچه که به طور معمول اسناد نوشته‌ها گزارش کرده‌اند، به تصویر کشیده است. البته دلیل توجیهی قرار دادن سعید بن زید در آخر فهرست نامشخص است و بطور ساده ممکن است نتیجه گرفته شود که خودش از زمره افراد این حدیث باشد. گرچه از مطالعه سلسله اسناد، هیچ تناقضی آشکار نمی‌شود، ولی با توجه به زمان تنظیم، در باره اعتبار و درستی متنی این حدیث نمی‌توان ارزش گذاری قطعی ارائه کرد.^{۶۵}

در این میان، با وجود نصوص روشن در شایستگی علی علیه السلام بر خلافت نیازی به این دلیل نداشته و در ادله امام علی علیه السلام بر خلافت خود اشاره‌ای به عشره مبشره وجود ندارد. یازیگی در ادامه فضایل نگاری صحابه یاد شده در روایت عشره مبشره را در امتداد همین تثبیت موقعیت سیاسی آنان دانسته و گزارشی از وضعیت آنان در این آثار ارائه داده است.^{۶۶} نکته دیگری که یازیگی از آن غفلت نموده است، ترتیب معنادار افراد یاد شده در فهرست عشره مبشره است که هماهنگی دقیق با سیر تاریخی و حیات خلفای اربعه دارد. برخی از محققان چنین روایاتی را که با نظم خاص تاریخی به بیان مناقب برای خلفا دلالت دارند، بدون هیچ تردیدی ساختگی دانسته‌اند:

إن كل حدیث جاء فی مناقب الخلفاء، و ذکر فیهم أسامیهم علی الترتیب فهو حدیث موضوع بلا ریب.^{۶۷}

زیرا نشان‌گر پیش‌فرض به خلافت رساندن این افراد بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است؛ در حالی که برابر اسناد تاریخی، خلافت این افراد با مخالفت جدی علی علیه السلام و شماری از صحابه بوده است.

۸. معضل سعید بن زید

از نظر یازیگی یادکرد سعید بن زید در شمار صحابه عشره مبشره به دلیل عدم نقش سیاسی وی در خلافت از معضلات فرا روی تحلیل این روایت است و شاید نقش مکملی در رساندن این افراد به عدد ده را داشته است:

واقعیت، این است که چهار نفر از اعضای عشره، خلیفه شدند و بعد از مرگ عمر بن خطاب در سال ۲۳ ق، شش نفر دیگر اعضای عشره، شورایی را تشکیل دادند که مأموریت انتخاب خلیفه بعدی را از میان آنان به این شورا واگذار می‌کرد. اهمیت سیاسی حدیث عشره و استفاده جامعه اسلامی از این واژگان برای اشاره به رهبران تأثیرگذار آن روشن است. سعید بن زید یک مشکل و معضل باقی ماند. گنجاندن او در فهرست عشره برای تصدیق اهمیت سیاسی او مشکل است؛ گرچه او بیست و هفت سال در زمان عمر زنده بود، اما هیچ سند اثباتی وجود ندارد که ادعا نماید او به عنوان خلیفه مطرح شده باشد. با

66. Ibid. p167.

۶۷. الرسائل العشر فی الأحادیث الموضوعه فی كتب السنه، ص ۵.

این حال، او ممکن است یک افزوده مورد مطلوبی باشد تا نقش توجیهی نمادگرایی عدد ده را کامل کند.^{۶۸}

هر چند احتمال اول یازبگی در داخل نمودن سعید بن زید به ذهن آید، لکن قضیه به این سادگی نبوده و اهداف دیگری در ورای ضمیمه نمودن وی بوده که از دید نویسنده پنهان مانده است. برخی از محققان راز افزوده شدن سعید بن زید به فهرست عشره مبشره را در نحوه تعامل خلیفه دوم با وی، ردیابی کرده‌اند. در این تحلیل، رابطه نسبی نزدیک وی با خلیفه دوم (پسر عموی عمر بن خطاب) و عدم حضور سعید در شورای پیشنهادی خلیفه، به عنوان قراینی در افزوده شدن وی به فهرست عشره مبشره مؤثر دانسته شده است.^{۶۹}

نتیجه

هر چند هیچ ملازمه‌ای شرعی، عقلی و عرفی میان وعده به بهشتی شدن فردی در فرض صحت، با مشروعیت بخشی به نظریه سیاسی یا تصحیح عملکرد خلفای سه گانه و دیگر کارگزاران آنان وجود ندارد، اما چنین ملازمه گزارفی را برخی از جاعلان درباری و دست به سینه اموی، میان حدیث ساختگی عشره مبشره، با تصحیح عملکرد سیاسی افراد یاد شده در این حدیث اختراع کرده‌اند. این روایت نما دست کم در اقعاع عوام مردم روزگار جعل آن، به ویژه در دوره‌ای که زر و زور و تزویر در خدمت حاکمیت بوده، تا حدی می‌توانست به عنوان مستمسکی ضعیف در توجیه یا تصحیح شخصیت‌های سیاسی مدرسه خلفا به کار آید و در ذهن مخاطب چنین پنداره‌ای را تداعی کند که «چگونه ممکن است فردی که رسول خدا ﷺ بهشتی شدن وی را بشارت داده است، عملی خلاف و غیر مرضی خداوند انجام دهد؟» و از عکس آن، چنین استفاده کند که «حال که این افراد بشارت داده شده به بهشت، به منصب خلافت یا کارگزار سیاسی رسیده‌اند، بی‌گمان از عملکردی نیک برخوردارند و این کسب قدرت و مقام آنان، هر چند به زور و تزویر هم باشد، منافاتی با وعده بهشتی شدن آنان ندارد».

از این رو، روایت‌نمای عشره مبشره، بعد از رحلت نبوی برای تثبیت نظریه خلافت مبتنی بر سقیفه و شورای شش نفره خلیفه دوم، از سوی جریان خلافت یا بعدها از سوی

68. Yazigi Maya, *Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition*, P 167

۶۹. رک: تشیید المطاعن لکشف الضغائن، ج ۱۲، ص ۴۴۶.

توجیه کنندگان اقدامات خلافت آنان جعل شده است. هوشمندی ویژه‌ای در انتخاب ده نفریاد شده در این حدیث به چشم می‌خورد، نقش سیاسی آنان، پس از رحلت نبوی، مهم‌ترین وجه اشتراک این افراد به شمار می‌آید و مؤلفه اصلی در انتخاب این افراد است؛ مرد بودن، قریشی بودن و در قید حیات ماندن بعد از رحلت نبوی سه مؤلفه دیگری است که فرد مبشره باید دارای آن باشد. با وجود اشکالات سندی متعددی که بر او بیان این روایت در رجال اهل سنت وجود دارد، متن آن نیز دچار آسیب‌های متنی و محتوایی بوده و در تعارض با دیگر روایات بشارت به بهشت است.

حصر افراد در عده ده نیز احتمال اقتباس آن از اسطوره عدد کامل را در ذهن تداعی می‌کند؛ هر چند زمینه‌های قرآنی آن نیز محتمل است، اما به نظر می‌آید این حصر مبتنی بر ویژگی‌های شخصی و گرایش‌های سیاسی این افراد بوده و همگی جز علی علیه السلام در طیف مدرسه خلفا قرار می‌گیرند و در تقابل ماهوی با نظریه سیاسی مدرسه اهل بیت علیهم السلام است. این پژوهش نشان داد که جریان استشراق به احادیث جعلی به عنوان منبعی برای شناخت اختلافات بینا مذهبی مسلمین و نقش محدثان مزدور در این عرصه توجه جدی دارد. هر چند اهداف چنین تحقیقاتی در نهایت به سود دشمنان اسلام در طرح اختلاف افکنی است اما فایده آن را در رخ‌نمایی از حقایق تاریخی نمی‌توان انکار نمود. هم‌چنین، روشن شد که پژوهش‌های یازگی هر چند در نتیجه با دیدگاه عالمان شیعی در جعلی بودن عشره مبشره و اهداف فراسوی جعل آن همسان است لکن برخی از تحلیل‌های وی دچار کاستی بوده است. هم‌چنین، معلوم شد که وی از نقدهای عالمان شیعی در بررسی عشره مبشره غفلت ورزیده و دیدگاه آنان را در این موضوع انعکاس نداده است.

کتابنامه

- «گونه پژوهش‌های فقه الحدیثی خاورشناسان»، علی راد، حدیث حوزه، ش ۴، ۱۳۹۱ ش.
- «حدیث پژوهی در نگاه‌های مستشرقان»، علی راد، علوم حدیث، ش ۵۸، دوره ۱۵، ۳۸۹ ش.
- تقریب تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف، حافظ یوسف بن عبدالرحمن مزی، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیة، ۱۹۹۴ م.
- تهذیب التهذیب، ابن حجر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۴ ق.

- جريان شناسى سيره پژوهى در غرب با تأكيد برديدگاههاى ويليام موننگمى وات، سيد محمد موسى مقدم، تهران: مارينا، ۱۳۹۲ش.
- جزيل المنة فى سيرة المبشرين بالجنة، بداوى، بى جا: مكتبة و مطبعة محمد على سهيل، ۱۹۷۴م.
- الجنة والنار فى الكتاب والسنة، محمد محمدى رى شهرى، قم: دار الحديث، ۱۴۳۲ق.
- خصائص العشرة الكرام البررة، محمود بن عمر بن محمد زمخشري، تحقيق: باقر حسنى، بغداد: سلسلة كتب التراث، ۱۹۶۸م.
- الرسائل العشر فى الأحاديث الموضوعية فى كتب السنه، سيد على ميلانى، قم: ياران، ۱۴۱۸ق.
- الرياض النضرة فى مناقب العشرة، محب الدين احمد بن عبد الله طبرى، قاهره: المكتبة الاسلاميه، ۱۹۵۳م.
- سنن ابن ماجه، ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بى جا، بى تا.
- سنن ابى داود، ابو داود، تحقيق: محمد محى الدين عبد الحميد، بى جا، دار احياء السنن النبويه.
- سنن الترمذى، ترمذى، تحقيق: عبد الرحمن عثمان، مدينه: محمد عبد المحسن الكتبى، بى تا.
- سيره پژوهى در غرب: گزيده متون و منابع، مرتضى كريمى نيا، قم: مجمع جهانى تقريب مذاهب اسلامى، ۱۳۸۶ش.
- شرح النووى على صحيح مسلم، يحيى بن شرف نووى، بيروت: دارالكتاب العربى، ۱۴۰۷ق.
- الصحيح، مسلم، تحقيق: خليل مامون، بيروت: دار المعارف، ۱۹۹۴م.
- الطبقات الكبرى، ابن سعد، بيروت: دارالبيروت، ۱۹۷۸م.
- طبقات المحدثين بأصبهان والواردين عليها، عبد الله بن محمد بن حيان، تحقيق: عبد الغفور بلوشى، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۲ق.
- العشرة المبشرين بالجنة، عاشور، عبد اللطيف، قاهره: مكتبة القرآن، ۱۹۸۸م.
- فضائل الصحابه، احمد بن حنبل، تحقيق: محمد بن عباس، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۳م.
- فضائل الصحابه، نسايى، تحقيق: فاروق حمد، بى جا، دار الثقافة، ۱۹۸۴م.

- كتاب اصول الدين، ناشى الاكبر، تحقيق شده در Joaef Van Ess، بيروت، ١٩٧١م.
- الكواكب الدراري فى شرح صحيح البخارى، محمد بن يوسف كرماني، مصر: المطبع البهئى المصرى، ١٩٣٧م.
- كتاب الطبقات، ابى عمر خليفة بن خياط العصفري، تحقيق: سهيل ذكرو، دمشق: وزارات الثقافة والسياحة والارشاد القومى، ١٩٦٦م.
- المستدرک على الصحيحين، حاكم نيشابورى، بيروت: دارالمعرفه، بى تا.
- من فضائل العشرة المبشرين بالجنة، طنطاوى، محمود، قاهره: المجلس اللالى الشئون الاسلاميه، ١٩٧٦م.
- موسوعة احاديث اهل البيت عليه السلام، هادى نجفى، بيروت: دار احياء التراث العربى للطباعة والنشر والتوزيع، ٢٠٠٢م.
- نظم الجمان لترتيب ما سلف من اخبار الزمان، ابن قطان مراکشى، تحقيق: محمود على مكى، بيروت: دار الغرب الاسلامى، ١٩٩٠م.
- وقعة الجمل، محمود بن زكريا بصرى، تحقيق: شيخ محمد حسن الياسين، بغداد: من نفائس مخطوطات دارالكتب الظهيريه فى دمشق، ١٩٧٠م.
- A . J . Wensinck "Hand book" of early muhammedan tradition "leiden:E. J. Brill 1960.
- E. P.sanders "Jesus and Judasism" . Philadlphia : Fortress Press 1985.
- G. Hirsch "The Twelve Tribes" in The Jewish Encyclopedia. New York : Funk and Wagnalls Co. 1905.
- Yazigi Maya Hadiht al - ashara or The Political Uses of a Tradition ، STUDIA ISLAMICA 86 v., 1997.